

خویشتن‌داری بنابر آموزه بودا در متنی به زبان خُتنی

سارا روحانی*

مهشید میرفخرایی**

چکیده

کتاب زَمَبَسْتَه منظومه‌ای طولانی است. این کتاب به زبان خُتنی قدیم نوشته شده است که از شاخه زبان‌های ایرانی میانه شرقی است. زَمَبَسْتَه مجموعه‌ای وسیع از مفاهیم رایج آیین بودایی و جنبه‌های گوناگون دین بودا است. فصل دوازدهم این کتاب فصلی آموزه‌ای و شامل مجموعه‌ای از شایسته‌ها و نشایسته‌هاست. قطعه‌ای که برگردان آن در این گفتار از زبان خُتنی به فارسی آمده، شامل ۵۲ بند نخست همین فصل است که به شرح و توصیف سَمَوَرَه (= samvara) خودداری، خویشتن‌داری اخلاقی یا متوقف کردن تأثیرات کَرَمه‌ها یا اعمال پیشین انسان) اختصاص دارد. سَمَوَرَه یکی از مهم‌ترین مراحل رسیدن به فضیلت پرهیزگاری به‌شمار می‌آید و همانند نگره‌بانی است که پیوسته می‌کوشد تا انسان را از هرچه ناشایسته و ناپسند است، دور کند و او را برای رسیدن به نیروانه (= نجات و رستگاری) یاری رساند. در زیر ریشه‌شناسی واژه سَمَوَرَه، دیدگاه فلسفی درباره سَمَوَرَه، مراحل دست‌یابی، مراسم تعهد، و شرایطی که به از دست دادن سَمَوَرَه می‌انجامد بررسی شده است.

کلیدواژه‌ها: زبان‌های ایرانی میانه شرقی، خُتن، زبان خُتنی، کتاب زَمَبَسْتَه، آیین بودا، سَمَوَرَه.

* دکترای فرهنگ و زبان‌های باستانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران
Sarah_rouhani@yahoo.com

** استاد، فرهنگ و زبان‌های باستانی، پژوهشکده زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
(نویسنده مسئول)، mahshidmirfakhraei@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۱/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۲۷

Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

۱. مقدمه

کتاب *زَمَبَسْتَه* منظومه‌ای طولانی به زبان ختنی قدیم است که از زبان سنسکریت ترجمه شده و مجموعه‌ای عظیم از تفسیرهای مفاهیم رایج آیین بودایی است. این کتاب جنبه‌های گوناگون دین بودا و آموزه‌هایی از مکتب‌های مهم این آیین، یعنی *هینه‌یانه* (Hīnayāna) و *مهاییانه* (Mahāyāna)^۱، را منعکس می‌کند. از آنجایی که این اشعار به درخواست مقامی رسمی به نام *زَمَبَسْتَه* (Zambasta) سروده شده، بیلی (Bailey) این نام را برای این منظومه پیش‌نهاد کرده است. امریک (Emmerick) اولین و تنها ترجمه از این متن را در سال ۱۹۶۸ انجام داد (میرفخرایی ۱۳۹۲: ۹۸-۹۹؛ Leumann 1967: 366-375; Konow 1914: 13-46; Bailey 1967: 59-74).

این کتاب ۲۰۷ برگ و احتمالاً ۲۵ فصل داشته است که اکنون ۲۴ فصل آن موجود است. از تعداد زیاد دست‌نویس‌های موجود از این متن، می‌توان نتیجه گرفت که این کتاب در سرزمین ختن از اهمیت و محبوبیت بسیار برخوردار بوده است (میرفخرایی ۱۳۹۲: ۹۸-۹۹؛ میرفخرایی ۱۳۸۳: ۹۹-۱۰۰؛ Hitch 2014: 1-43; Sharifian 2016: 1-6).

فصل دوازدهم کتاب ۱۳۴ بند دارد که ۱۲۲ بند آن محفوظ مانده و بندهای ۹۷ تا ۱۰۸ آن موجود نیست. بندهای ۱ تا ۳۹ این فصل به *سَمَوَرَه* (samvara) «خویشتن‌داری اخلاقی یا توقف تأثیرات گرمه‌ها یا اعمال پیشین انسان» اختصاص دارد که نخستین گام برای رسیدن به کمال و رستگاری است. در این مرحله ابتدا فرد باید آمادگی‌های لازم را برای تعهد به *سَمَوَرَه* کسب کند و سپس با انجام مراسم رسمی، به *سَمَوَرَه* متعهد شده و همه قانون‌های متعلق به آن را بپذیرد. در بندهای ۴۰ تا ۴۹ مربی فرد متعهد را از چهار گناه بزرگ آگاه می‌کند که ارتکاب به آن‌ها سبب از دست‌دادن *سَمَوَرَه* می‌شود و بنابراین او را از این اعمال برحذر می‌دارد و در بندهای ۵۰ تا ۵۲ شخص متعهد به *سَمَوَرَه* قصد و نیت خود را برای پرهیز از بدی و گناه اعلام می‌کند (Emmerick 1968: 165; Bailey 1967: 59-74; Leumann 1967: 366-375; Konow 1914: 13-46).

در زمینه متون ختنی، هارولد بیلی، رونالد امریک، ام. جی. درسدن (Dresden) و مائورو مجی (M. Maggi) مطالعات بسیاری کرده‌اند. در ایران نیز دکتر مهشید میرفخرایی پژوهش‌هایی در این زمینه انجام داده است، اما میان این پژوهش‌ها مفهوم واژه خویشتن‌داری براساس کتاب ختنی *زَمَبَسْتَه* بررسی نشده است.

این پژوهش با هدف بررسی مفهوم خویشتن‌داری (= *سَمَوَرَه*) صورت گرفته و شامل حرف‌نویسی و برگردان فارسی ۵۲ بند نخستین فصل دوازدهم کتاب ختنی *زَمَبَسْتَه* است.

۲. واژه‌شناسی

سَمَوَرَه - samvara (از پیش‌وند -sam- و ریشه vṛi- به معنای پوشیدن و پنهان‌کردن) به معنای کلی خویشتن‌داری اخلاقی یا متوقف‌کردن تأثیر کَرَمه‌ها یا اعمال پیشین انسان برای رسیدن به مقام **بودی‌ستوه**^۳ (bodhisattva) است (Monier-Williams 1899:1116). سَمَوَرَه یکی از عالی‌ترین و ارجمندترین مراحل نیل به پرهیزگاری به‌شمار می‌آید و همانند نگه‌بانی است که ذهن و حواس آدمی را در تسلط خود دارد و پیوسته می‌کوشد تا هرچه را پست و ناپسند است، از او دور سازد تا دست‌خوش حرص، آز، یأس، و ناامیدی نشود و برای رسیدن به نیروانه^۴ آماده شود (Nyanatiloka 1988: 317-318).

۳. دیدگاه فلسفی درباره سَمَوَرَه

سَمَوَرَه یکی از واقعیت‌های اساسی جهان یا تَتَوَه^۵ (tattva) به‌شمار می‌رود و به معنی توقف نفوذ و تأثیر کَرَمه‌ها^۶ بر هوشیاری و خودآگاهی روح است. سَمَوَرَه نخستین گام در راه نابودی کَرَمه‌های زیان‌بخش انباشته شده است. این دیدگاه جهان یا سَمَساره (saṃsāra)^۷ را مانند اقیانوس می‌داند و روح آدمی را مانند قایقی که برای عبور از اقیانوس و رسیدن به ساحل آزادی و رهایی تلاش می‌کند. سوراخ‌های قایق هم‌چون ذرات کَرَمه‌ای است که در حال راه‌یافتن به روح شخص است. از این‌رو نخستین گام مسدودکردن راه نفوذ و جلوگیری از ورود آب به قایق است و این عمل همان سَمَوَرَه است. رهایی و نجات تازمانی که روح از اسارت این کَرَمه‌ها رها نشده، ممکن نیست. رهایی زمانی رخ خواهد داد که نخست جریان کَرَمه‌های جدید متوقف شود و سپس با دورکردن کَرَمه‌های زیان‌بخش باقی‌مانده از طریق تلاش‌های آگاهانه به رهایی و نجات برسد (Sanghvi 1974: 320; Shimmy 2017: 7-8). براساس این دیدگاه فلسفی، نجات و رهایی هنگامی رخ می‌دهد که روح و ماده به‌طور کامل از هم جدا شوند و چون روح انسان به‌واسطه طبیعت بسیار سبک است، پس با بی‌توجهی به اعمال و رفتار خود سبب می‌شود تا راه نفوذ کَرَمه‌ها باز شود و همانند کیسه‌ای پر از شن و ماسه سنگین شود و درحقیقت ماده و روح باهم ترکیب شوند و درنهایت در دام سنساره گرفتار شود (Ekka 2005: 1-54; Doly 2015: 297-302).

براساس این دیدگاه مراحل دست‌یابی به سَمَوَرَه بدین ترتیب است:

۱. تسلط بر اندیشه، گفتار و تن؛

۲. توجه و دقت در حرکت کردن، صحبت کردن، خوردن، قراردادن اشیا، و دفع دورریختنی‌ها؛
۳. ده درمه (dharma)^۱ یا مشاهده اعمال خوب همانند بخشش، فروتنی، صراحت، قناعت، صداقت، تسلط بر خود، توبه و طلب بخشایش، چشم‌پوشی، وابستگی نداشتن، و خویشتن‌داری؛
۴. مراقبه بر حقایق این جهان؛
۵. صبر و شکیبایی در مسیر تهذیب اخلاقی در شرایط سخت و دشوار؛
۶. تداوم تمرینات معنوی (Bhatlacharya 1976: 45-47; Doley 2015: 297-302).

۴. مفهوم سَمَوْرَه در متون سنسکریت

در سنسکریت واژه سَمَوْرَه به صورت «brahmayana» آمده و مرکب از دو بخش «brahma» به معنای «عالی و خالص» و «yana» به معنای «چرخ و گردونه» است. بنابراین «brahmayana» گردونه‌ای برای ورود شخص به مرحله و وضعیتی عالی یا خالص و پاک است. معادل تبتی این واژه «tsang-pe thukpa» است و از ترکیب واژه «tsang-pe» به معنای «کامل» و «thukpa» به معنای «گردونه و چرخ» تشکیل شده و در مجموع «گردونه کامل» معنی می‌شود. درحقیقت نشان‌دهنده تعهد و پذیرش شخص درقبال آیین بودا و وفاداری او به قول و پیمان است (Trungpa 2013: 21-22).

در برخی متون سنسکریت اشاره شده که شخص با به‌دست‌آوردن سَمَوْرَه قدرت و نیرو پیدا می‌کند و می‌تواند بر خود و اعمال خود تسلط کامل یابد و از خواهش‌های نفسانی دوری کند و بر اندیشه و جسم خود تسلط یابد. هم‌چنین سَمَوْرَه یکی از تمرینات اصلی یوگا معرفی شده و به معنای خودداری از هرگونه خواهش و آرزو و لذت‌جویی است. در بند دیگری از این متن اشاره شده که شخص باید همواره تحت هر شرایطی خویشتن‌دار باشد و بدان پای‌بند باشد. خویشتن‌داری سبب می‌شود که فکر و اندیشه شخص به‌طور کامل از خواسته‌های باقی‌مانده پاک شود و بدین ترتیب راه ورود گرمه‌ها بسته شود. بنابراین تنها راه به‌دست‌آوردن این قدرت و نیرو تسلط بر خود و تمرین بسیار و مداومت طولانی بر این امر است (Patanjali and Feuerstein 1989: 21-22).

باتوجه‌به بررسی برخی متون سنسکریت و فصل دوازدهم کتاب ختنی زَمَبَسْتَه، سَمَوْرَه همواره به مفهوم جلوگیری از هرگونه عمل ناشایست و دوری کردن از لذت‌جویی است و

تعهد و پای‌بندی شخص به آیین است که در نهایت سبب نجات و رهایی او از سنساره یا پیدایش‌های پی‌درپی و در نتیجه باعث تکامل انسان می‌شود. البته شخص باید همواره در جهت تمرینات معنوی خود کوشا باشد و مداومت و پایداری نماید تا بتواند این قدرت و نیرویی را که از سَمورَه به دست آورده حفظ کند.

۵. مراحل دستیابی به سَمورَه بنابر فصل دوازدهم متن خُتنی رَمَبَسْتَه

پس از این که شخص آمادگی‌های لازم را برای پذیرش سَمورَه پیدا کرد، در این مرحله او درخواست می‌کند تا سَمورَه به او داده شود و به بودا ابراز وفاداری می‌کند. سپس باید توسط بودی‌ستوه آزمایش شود. در این مرحله از وی پرسیده می‌شود: آیا او انجمن بودایی را سرزنش خواهد کرد یا نه؟ آیا او دشمن آن‌ها نیست؟ آیا خشم شدید، حرص، و غرور ندارد؟ یا با قصد فریب و نیرنگ این تعهد را نمی‌پذیرد؟ پس از پاسخ به این پرسش‌ها، شخص قسم می‌خورد که به این پیمان متعهد است. مجدداً از او پرسیده می‌شود: آیا سَمورَه را می‌پذیرد و همهٔ قانون‌های آن را انجام می‌دهد؟ اگر انجمن راهبان (bhikṣusangha)^۹ او را در حکم شخصی مناسب برای این انجمن انتخاب کنند و بپذیرند، به او می‌گویند: «برخیز و حواست را خوب جمع کن». او بعد از پذیرش سَمورَه باید در برابر مجسمه بودا بایستد و تا آن‌جا که می‌تواند آن را بیاراید و پیشکش‌ها بدهد. سپس اجتماع راهبان را جمع کند و به سه گوهر (tri-ratana)^{۱۰} احترام بگذارد و متعهد شود تا در قبال همهٔ موجودات مهربان خواهد بود و همهٔ بوداها را به یاد آورد و به همهٔ بوداها و آموزگارشان ابراز وفاداری کند. او باید همهٔ برکت‌ها و نیکی‌هایی را که به خاطر تعهد به سَمورَه به دست آورده است، در خود جمع کند و پس از اظهار فروتنی در قبال سه گوهر، از آموزگار خود دربارهٔ سَمورَه سؤال کند و در برابر اجتماع راهبان و بودا بایستد و از آموزگارشان درخواست کند و بگوید: «سَمورَه را به خاطر بودی‌ستوه‌ها به من بده». سپس باید درخواست خود را از آن‌ها تکرار کند و بگوید: «این سَمورَه را به من بده». اجتماع راهبان باید آموزگار را آگاه کنند و به او بگویند که آیا سَمورَه باید به آن شخص داده شود یا نه (Emmerick 1968: 164-169). اگر بودی‌ستوه‌ها او را بپذیرند، آموزگار باید به او چنین بگوید: «حواست را خوب جمع کن و گوش فرا ده ای فرزند». سپس از او می‌پرسد: «آیا تو نسبت به بودی (Bodhi)^{۱۱} متعهد هستی؟ بودی تو را خشنود می‌سازد؟ و آیا سَمورَه را می‌پذیری؟»، شخص اعلام می‌کند که «من به بودی ایمان دارم، بودی مرا خشنود می‌سازد و این سَمورَه را می‌پذیرم.» سپس از او

می‌خواهند که شیکشا (śīkṣā)^{۱۲} را بیاموزد و همه اعمال و کارهای مربوط به سَمورَه را انجام دهد. بدین ترتیب شخص سَمورَه را پذیرفته است و درقبال آن متعهد خواهد شد (ibid.: 168-171 بندهای ۱۰ تا ۳۹ همین ترجمه).

۶. مراحل ازدست‌دادن سَمورَه بنابر فصل دوازدهم متن ختنی زَمَبَسْتَه

همان‌طور که به دست آوردن سَمورَه مراحل دارد، ازدست‌دادن آن نیز تابع شرایطی است. بعد از این که شخص به سَمورَه متعهد می‌گردد و آن را می‌پذیرد، آموزگار او را به چهار گناه بزرگ آگاه می‌کند که ارتکاب به این گناهان سبب می‌شود تا وی سَمورَه، مقام خود، و شایستگی‌های اخلاقی‌ای را که در این راستا کسب کرده است از دست بدهد و تنزل یابد. این چهار گناه بزرگ عبارت‌اند از:

۱. اگر کسی به خاطر سود و منفعت خود شرف دیگران را تحقیر کند و به خود احترام بگذارد؛

۲. کسی که به دارایی حریص و طماع باشد و هنگامی که کسی چیزی از او بخواهد، او دریغ کند؛

۳. کسی که بسیار خشمگین شود و به سبب آن به دیگران آسیب برساند و باعث ناراحتی شود و از وی عفو و پوزش نیز نخواهد؛

۴. کسی که به قانون مهیانه احترام نمی‌گذارد و آن را تحقیر و بی‌ارزش می‌کند. بدین ترتیب با انجام‌دادن این چهار گناه شخص همه خوبی‌ها و آگاهی‌هایی را که کسب کرده از دست خواهد داد، اما اگر توبه کند، مجدداً می‌تواند شایستگی‌های خود را افزایش دهد و سَمورَه را کسب کند و همانند قبل به مقام و جایگاه خود خواهد رسید (ibid.: 170-173؛ بندهای ۴۰ تا ۴۹ همین ترجمه).

قطعه‌ای که در این گفتار برگردان آن آمده شامل حرف‌نویسی و برگردان فارسی ۵۲ بند نخست فصل دوازدهم کتاب زَمَبَسْتَه است که به توصیف خویش‌تن‌داری (=سَمورَه) پرداخته است.

۷. حرف‌نویسی

1. Siddham ce yāḍe praṇāhā- nu se balysūstu bvāne
numandrāte satva aysū trāyāmā bāsśā.

2. pramṃānī dātā mahāyānā se rraṣṭā
balysā hvate harbässu ttāna byaude balysüstā.
3. tye rro nāsāñi ṣā gratā tcamna balysüstā. Tha-
tau hambīdū puña māsta hāmāre.
4. prraṇāhānai harbiśśā sājīndā kho yande
balysūšte vaska u bi-śśā trāyāte satva.
5. pārāmate mulysdi satva-saṃgrahā hota
Panye kṣaṇā huṣṭā kye ttū nāste parāhu.
6. klaiśa nvaṇthāre u kāḍāyāne jyāre
buvāmatī huṣṭā bodhisattvā ṣu ttīyā.
7. kāmā ṣātā hastamā gratā khvai vā nāste.
kama jsa nāsāñi cu buro vātcu parāhā
8. ṣei bodhisatva-saṃvari cai abvatu ḍṛysde.
ttandrāmā pīsai kū-śāñi ku nāste
9. ttai hvañau āysda ma (ya)nu bīka māḍāna
pāto' yā haraysā-ñi dasta aṃjalu tcera.
10. ātamā mā uho jsa thu mamā saṃvaru haura
bodhisatvānu tta ya-na balysa tā byautā
11. tye bodhisattvā. nvaśtāñā ṣā satvā.
ka ne balysānā ggūtrā ṣṭakula-jserā hāmāte
12. ka ne vīraustā ne atā nuṣṭhurā ysu-
rṛjā ne hīsa ne ṣkālsā u nai śśaṭhyau nāste
13. śśārkuī jsa perre. Sañina naunu pātāšte
yāḍā tā praṇāhā-nā tta pulsāñi balysūsta.
14. nāsa ttū saṃvaru biśśu vartī vātco.
ma tā mahāyānā nā pramānā śtā pūra
15. ka hā ttāñā ggūttro uairā iyā balysūñā
ttai hvañau panamū uī' śśārku hamggalju
16. ttīyā panamāñu kye ttū saṃvaru nāste
ttu śśāndau tsuño ku prratābimbā balysi.

17. khvai hauta tterburu varā āysāte perrā
khvai hota tterburo vari pūša yanāña
18. khvei hota tterī haṃ– ggaljāñi bilsaṃggā
ce buro ttū saṃvaru vāte ṣṭāre spyātyau jsa
19. bū'ṇa bīnāñina āmāṣāṇa kho hotte
drraiṇu ratanānu pajsamā tterburo tcerā
20. khvei hauta tterburo balysāne ṣṣahāne
aysmūna kā'ñe tterā brocī mulysdi
21. satva vāe tcera daso diše vātā balysa
aysmūna ttītā ha– rbāsśā byāta yanāña
22. kāḍe sīravātā kāḍe ṣṣadda praysātā
balysa vāte tcera u ttu rro pīso vīri
23. hāvi āvyāñi u puña cu mamā hāmāre
ttātāna saṃvarina cu na-ro paḍā hāmāre
24. pātcu haraysāñu patāna drainu ratanānu
pātcā śāsāñi saṃvari pīso ttīyā
25. hā yi nāsāñi ṣṣā ho bilsaṃgga vātco
nyānarthi tcerā u panamāñvī ttīyā
26. baña balysā ṣṭāñi śāsāñi se hora
bodhisatvānu saṃ– varu pīso pātco
27. biśśā bodhisatva. ce vari ā're haṃgrīya
hvatā hvatā rro trāmī śāsāña se hoḍa.
28. tye pīsai ttīyā aurāsśāñi bilsaṃggā
horāñi saṃvarā tye o kho parīya
29. kei bodhisatva–saṃggāna ūvāsu yanīndā
ttai hvañau pīsai uī' śśārku haṃggalju.
30. pyū' pūra aštā tā prañihānā balysūsta
kṣamāte balysūstā u ttū saṃvaru nāsa
31. ttai hvañau aštā mā. prañāhānā balysūsta
kṣamātā mā balysūstā u ttū saṃvaru nāse

32. sājä ttuto śśākṣo. kho sīyāndi tṭṛ-adhva
biśśā gyasta balysa. paḍā prahujana ṣṭāna
33. cu buro mara tceri tṭīye saṃvarā vīrā
biśśu tta yañi u cu ne tcerā īyi pathiśśā
34. ttai hvañau tṭīyā kye ttū saṃvaru nāste.
biśśu pathisimā u cu mā tceri yanimā
35. sājīmā śśākṣo kho sīyāndi tṭṛ-adhva. bi-
śśā bodhisattva kye ttū saṃvaru nāndā
36. tṭīyā panamāñu ce ttū saṃvaru heḍā.
baña balysi ṣṭānī hiṃdvānāna hauna
37. nyānartha tcerā daso diṣe vātā balysa
kho rro sūtro hvīnde ce ttū saṃvaru heḍā
38. nāsākā balysa bodhisattva kāñña
satva vātā mulysdi mā-stā tcerā aysmūna
39. cī ttū pīsai. ārūsātu yīndā
ttai hvañau pūra tchoh- rā ttāte hāra mista
40. tcamna nyauysāre bodhisattva payīndā
rrūyīndā saṃvaru hārṣṭāyā ne tcerā
41. ka hāvā pajsamā kāḍāna haṇḍara nyaste
uysānye buljāte ṣā paḍā pathamka
42. śātu hīsu yande ttatatu vīro dātu
kvī aśtā hāysdā cai pajāttā ne heḍā
43. ysīro ysurre yande ku-ṃ jsa haṇḍaru mīndā.
dukhevāte u ne ne kṣa-mātā auysde ṣā dāddā
44. kye mahāyānu dātu nyaste ne ysūṣḍe
nei hvate śtā balysi apramānvī yande
45. ṣāte tcūramā dharmā tcamna hāmāte paramjsā
biśśāñe śśārateto jsa balysūṣṭe jsa nyauṣṭā
46. ku ne nā kāḍe ysīrā-na aysmūna yanīyā
kuī pātco nāste. hāmāte trāmī pātco

47. nai buvāñīyā u śśo ysaṃthvī drysde.
odi balysūste . nai ne tātu bvīndā
48. kai bvāñīyā u pātcvī ne ne nāste
o aysmū īśśāte balysūste jsa ttīyā
49. hārṣṭāyā r rūyāte ttū saṃvaru trāmu samu
kho ju ye hvandāye pu-ṣṣo kamalu patālttā
50. tte tta hvañu ttīyā kye ttū saṃvaru nāste
īmu āstarnnau bi-śśu audā balysūste
51. aysu pathīsīmā hamatā kar ne yanīmā
Ne parīmā hārṣṭei ka-rā u kari nā ggīhā
52. karā ne buljīmā u ne rro hā hāme sīrā
ttānu vātā sājāmā kye rro ttū gratu nāndā

۸. برگردان فارسی

موفقیت!

۱. کسی که متعهد می‌شود: «باشد که آگاهی را دریابیم»، موجودات رادعوت می‌کند که: «من همه شما را نجات خواهم داد».
۲. قانون مهیاانه اقتدار و مرجعیت اوست: «بودا همه آن [قانون] را به‌درستی اعلام کرده است»، او به آگاهی می‌رسد.
۳. او باید این فرمان را نیز بپذیرد که با آن آگاهی زودتر تحقق می‌یابد و نیکی‌های بسیار حاصل می‌شود.
۴. همه پیمان‌ها زمانی به سرانجام می‌رسند که او آن‌ها را برای آگاهی متعهد شود و همه موجودات را نجات دهد.
۵. فضیلت‌ها (pāramitā)^{۱۳}، بخشش، مهربانی نسبت به موجودات، هر لحظه نیروی کسی را که این شایستگی‌های اخلاقی (śīla)^{۱۴} را می‌پذیرد، افزایش می‌دهد.
۶. ناپاکی‌هایش (kleśa)^{۱۵} ناپدید می‌شوند و کردارهای بدش از میان می‌روند. سپس دانش بودی‌ستوه افزایش می‌یابد.
۷. این بهترین فرمان چیست؟ چگونه شخص آن را می‌پذیرد؟ از چه کسی باید پذیرفته شود؟ افزون‌براین، شایستگی‌های اخلاقی چیست؟

خویشتن‌داری بنابر آموزه بودا در متنی به زبان ختنی ۷۱

۸. این خویشتن‌داری اخلاقی بودی‌ستوه است. شخص باید بکوشد، زمانی که آن را می‌پذیرد، همانند آموزگاری آن را نشکند و حفظ نماید.
۹. باید به او این‌گونه بگوید: «مرا حفظ کن ای محبوب، ای مهربان»، شخص باید خود را به پای‌های او افکند. باید دست‌ها را به حالت درود (añjali)^{۱۶} قرار دهد.
۱۰. خواسته‌ای از تو دارم. سَمورَه (= خویشتن‌داری) بودی‌ستوه‌ها را به من بده. این کار را بکن ای بودا! به تو وفادار هستم.
۱۱. این شخص باید به وسیله بودی‌ستوه آزموده شود تا [معلوم شود] که انجمن بودایی سزاوار نکوهش نخواهد شد؟
۱۲. که او دشمن نیست، که خشم شدید، حرص [و] غرور ندارد و با هدف‌های فریب‌کارانه متعهد نمی‌شود؟
۱۳. او باید وادار شود [تا] با برنامه به‌نرمی سخن گوید: «باید پرسیده شود که برای آگاهی متعهد شده‌ای؟»
۱۴. این سَمورَه را می‌پذیری؟ به‌علاوه، اصلاً به آن پای‌بند هستی؟ ای فرزند! نگذار مه‌ایانه اقتدار و مرجعیت تو نشود!
۱۵. اگر او باید در این انجمن بودایی مناسب باشد، [پس] باید به او گفته شود که «برخیز و خوب حواست را جمع کن».
۱۶. پس کسی که این سَمورَه را می‌پذیرد، باید برخیزد و به جایی که [مجسمه‌های] بوداست برود.
۱۷. و سپس باید تا آن‌جا که می‌تواند آن‌ها را بیاراید. آن‌گاه تاجایی که می‌تواند پیشکش‌ها بدهد.
۱۸. سپس باید تاجایی که می‌تواند، انجمن راهبان [و] همه کسانی را که این سَمورَه را پذیرفته‌اند، جمع کند.
۱۹. باید تاجایی که می‌تواند با گل‌ها، ساز، و کالاها به سه گوهر احترام بگذارد.
۲۰. سپس باید تا آن‌جا که می‌تواند در اندیشه‌اش به فضایل بودا بیندیشد.
۲۱. نسبت به موجودات بسیار مهربانی کند. او باید در اندیشه‌اش، همه بوداها را در ده جهت^{۱۷} به یاد آورد.
۲۲. باید نسبت به بوداها نیز آموزگارش^{۱۸} خرسندی بسیار، ایمان قوی، و پای‌بندی نشان دهد.

۲۳. باید از طریق این سَمورَه، سود و نیکی‌هایی را که برای من روی می‌دهند، [اما] پیش‌تر روی نداده‌اند، جمع کنم.
۲۴. سپس باید در برابر سه گوهر سجده کند. آن‌گاه باید از آموزگار درباره سَمورَه پرس‌وجو کند.
۲۵. سپس این گفته را در برابر انجمن راهبان اعلام کند. آن‌ها باید آگاه شوند و سپس او باید برخیزد.
۲۶. ایستاده در برابر بودا، باید از آموزگارش بخواهد [که] «سَمورَه بودی‌ستوه‌ها را به من بده».
۲۷. هم‌چنین او باید بارها از همه بودی‌ستوه‌ها که در این جا گرد آمده‌اند بخواهد [که] «این [سَمورَه] را به من بده».
۲۸. سپس انجمن راهبان باید آموزگار را آگاه سازد [که] «آیا سَمورَه باید به او داده شود؟ چگونه فرمان می‌دهید؟».
۲۹. اگر انجمن بودی‌ستوه‌ها به او اجازه دهند، آموزگارش باید به او چنین بگوید: «خوب حواست را جمع کن».
۳۰. «گوش فرا ده ای فرزند! آیا نسبت به بودی‌تعهدی (prañidhāna)^{۱۸} داری؟ بودی‌تو را خشنود می‌سازد؟ و آیا سَمورَه را می‌پذیری؟».
۳۱. او باید چنین بگوید: «من به بودی‌تعهد دارم. بودی‌مرا خشنود می‌سازد، و این سَمورَه را می‌پذیرم».
۳۲. تو باید اصول اخلاقی و مراتب تربیت را بیاموزی، همان‌گونه که همه ایزد بوداهای سه دوره، زمانی که هنوز مردانی عادی بودند، آموختند.
۳۳. تو باید باتوجه‌به این سَمورَه همه‌چیز را همان‌گونه که باید انجام شود، انجام دهی، و باید از هرچه که نباید انجام شود، دوری کنی.
۳۴. پس کسی که سَمورَه را می‌پذیرد، باید چنین بگوید: «من از هرچه [که] ممنوع است، دوری خواهم کرد و آنچه را باید انجام شود، عمل خواهم کرد».
۳۵. می‌خواهم اصول اخلاقی و مراتب تربیت را بیاموزم، همان‌گونه که بودی‌ستوه‌های سه دوره آن را آموختند، هنگامی که سَمورَه را پذیرفتند.
۳۶. سپس کسی که سَمورَه را می‌پذیرد باید برخیزد. ایستاده در برابر [مجسمه] بودا، باید به زبان هندی بگوید:

خویشتن‌داری بنا بر آموزه بودا در متنی به زبان خُنتی ۷۳

۳۷. درست همان‌گونه که در سوتره (sūtra)^{۱۹} برای کسی که این سَمورَه را می‌پذیرد، بیان شده است، بوداهای ده جهت را آگاه سازید.
۳۸. کسی که سَمورَه را می‌پذیرد، باید به بوداها و بودی‌ستوها بیندیشد (= تمرکز کند) و در اندیشه، [نسبت] به موجودات بسیار مهربانی کند.
۳۹. هنگامی که بتواند این را به آموزگارش بگوید، آن‌گاه آموزگار باید به او بگوید: «ای فرزند! این آن چهار کار بزرگ است».
۴۰. که به سبب آن‌ها، بودی‌ستوها مغلوب می‌شوند، سقوط می‌کنند، سَمورَه‌هایشان را ازدست می‌دهند، [و] هرگز نباید انجام شوند:
۴۱. اگر کسی به خاطر سود [و] احترام، دیگران را تحقیر کند و به خود احترام کند، این نخستین [بازگشت از] خویشتن‌داری است.
۴۲. دوم، [اگر] کسی نسبت به دارایی [یا] قانون حریص باشد [و] به کسی که چیزی از او بخواهد، حتی اگر دارایی داشته باشد، ندهد.
۴۳. [اگر] بسیار خشمگین شود و از این راه به دیگری آسیب رساند [و] او را ناراحت کند و از او طلب بخشش نکند و عیبانی شود، این سومین مورد است.
۴۴. کسی که تحقیر کند [و] به قانون مهیانه ارزش نهد، آن را بی‌اعتبار سازد [و] بگوید که [بودا آن را اعلام نکرده است].
۴۵. این چهارمین [مورد] است که شخص با آن از قانون برمی‌گردد و از همه خوبی‌ها و آگاهی محروم می‌شود.
۴۶. اگر او این کارها را با اندیشه بسیار خشمگین نکند، اما اگر دوباره به [سَمورَه] متعهد شود، به‌راستی دوباره همان‌گونه [متعهد] خواهد شد.
۴۷. اگر قرار باشد به آن (= تعهد) آسیب نرساند و آن را در تمام عمر تا [رسیدن به] آگاهی حفظ نماید، نباید حتی برای یک لحظه به آن آسیب رساند.
۴۸. اگر قرار باشد به آن آسیب رساند و سپس آن را نپذیرد و یا اندیشه‌اش را از بودی بگرداند.
۴۹. او بدین ترتیب سَمورَه را ازدست می‌دهد مانند کسی که سر یک انسان را می‌برد.
۵۰. بنابراین کسی که سَمورَه را می‌پذیرد باید به او چنین گوید: «از امروز تا رسیدن به آگاهی،

۵۱. از بدی و گناه دوری خواهم جست، هرگز آن را انجام نخواهم داد و درواقع، هرگز دستور [انجام] آن را نخواهم داد و به [انجام] آن یاری نمی‌رسانم.

۵۲. هرگز به آن (= کار ناشایست) احترام نمی‌گذارم و یا از آن خرسند نخواهم شد. از کسانی که این پیمان را پذیرفته‌اند خواهم آموخت.

۹. نتیجه‌گیری

کتاب *زَمَبَسْتَه* منظومه‌ای طولانی به زبان ختنی قدیم و سرشار از مفاهیم رایج آیین بودایی و درباره جنبه‌های گوناگون دین بودا است. فصل دوازدهم این کتاب فصلی آموزه‌ای و شامل مجموعه‌ای از شایسته‌ها و نشایسته‌هاست. بندهای نخستین آن به شرح و توصیف *سَمورَه* اختصاص دارد که نخستین گام برای رسیدن به کمال و رستگاری به‌شمار می‌رود و پیوسته در تلاش است تا بر ذهن و حواس آدمی تسلط یافته و او را از هرچه که بد و ناشایسته است دور کند و اجازه ندهد که انسان دچار حرص، آز، غرور، یأس، و ناامیدی شود. *سَمورَه* سبب می‌شود تا نفوذ و تأثیر *گرمه‌ها* بر هوشیاری روح آدمی متوقف گردد. در برخی متون سنسکریت نیز به مفهوم *سَمورَه* اشاره شده و آن را به معنی گردونه و چرخه تکامل انسان ذکر کرده که شخص با به‌دست‌آوردن *سَمورَه* قدرت و نیرو پیدا می‌کند و می‌تواند بر خود، اعمال، اندیشه، و جسم خود تسلط کامل یابد و از هرگونه خواهش‌های نفسانی و لذت‌جویی دوری کند. هم‌چنین اشاره شده که شخص باید همواره تحت هر شرایطی خویش‌دار باشد و بر این امر مداومت کند. براساس فصل دوازدهم کتاب *زَمَبَسْتَه* رهایی و نجات انسان هنگامی رخ خواهد داد که روند نفوذ این *گرمه‌ها* متوقف شده و *گرمه‌های* مضر موجود نیز از طریق تلاش‌های آگاهانه فرد از بین برود تا بتواند به *سَمورَه* دست یابد. هم‌چنین انسان باید بر مجموعه‌ای از اعمال خود مانند اندیشیدن، سخن‌گفتن، مراقبت از تن خویش، حرکت‌کردن، صحبت‌کردن، خوردن، و قراردادن اشیا و دفع دورریختنی‌ها تسلط یابد و فضایل خوب خود را افزایش دهد، صبور باشد، تلاش کند، و پیوسته در مسیر تمرینات معنوی خویش باقی بماند. برای رسیدن به این اهداف، شخص نخست باید آگاهی‌های لازم را برای نجات خود و دیگران کسب کرده و پس از وفاداری به قانون مه‌ایانه و با سپری‌کردن مجموعه‌ای از آموزش‌ها، شایستگی‌های اخلاقی و معنوی خود را افزایش دهد و ناپاکی‌ها و آلودگی‌های خویش را از بین ببرد تا آمادگی لازم را برای به‌دست‌آوردن *سَمورَه* کسب کند. هم‌چنین باید از چهار گناه بزرگ تحقیرکردن دیگران، حریص و طماع‌بودن، خشم بسیار، پوزش‌نخواستن،

تحقیق، و بی‌احترامی به قانون مه‌ایانه نیز دوری کند تا بتواند سَمورَه را حفظ کند و به نیروانه، که هدف و نتیجه این آموزش‌هاست، دست یابد و خود را از گردونه بازپیدایی یا سَساره برهاند و به آرامش جاوید دست یابد و درنهایت از هر درد و رنجی نجات یابد.

پی‌نوشت‌ها

۱. زبان خُتنی (سکایی) جزو زبان‌های ایرانی میانه شرقی محسوب می‌شوند و دارای دو گویش تمشقی (گویش شمالی، tumshuqese) و گویش خُتنی (گویش جنوبی، khotanese) است و از نظر زبانی و جغرافیایی قرابت این دو گویش به‌گونه‌ای است که می‌توان آن‌ها را گویش‌های مختلفی از یک زبان در نظر گرفت (Emmerick 2009: 198; Emmerick 2008: 377). زبان خُتنی فقط محدود به سرزمین ختن نبود و منطقه وسیع‌تری را شامل می‌شد؛ از کاشغر به سوی شرق تا تمشق، واقع در شمال صحرای تاکلاماکان و از کاشغر تا ختن، واقع در جنوب این صحرا (تفضلی ۱۳۷۸: ۳۶۵).
۲. در منابع بودایی، همه‌جا از دو فرقه یا مکتب بزرگ و اصلی نام برده می‌شود که شامل مه‌ایانه (mahāyāna) و هی‌نایانه (hīnā-yāna) یا تروادا (theravāda) است. مه‌ایانه مرکب از دو بخش «mahā-» به معنای «بزرگ» و «yāna» به معنای «گردونه» است که روی هم به معنای «گردونه یا چرخ بزرگ» است. در آیین بودا «گردونه» راه رسیدن به آگاهی و گریز از تسلسل و بازپیدایی است. هی‌نایانه نیز مرکب از دو بخش «hīnā-» به معنی «کوچک، مردود، و حقیر» و «yāna» است که روی هم به معنای «گردونه یا چرخ کوچک» است. این عنوان را مکتب مه‌ایانه برای مکتب هی‌نایانه یا تروادا متداول کرده است، زیرا آن را از نظر تعلیمات در مرحله پایین‌تری از خود تصور می‌کند. به گردونه کوچک، گردونه شنوندگان یا شاگردان (śrāvaka.yāna) نیز می‌گویند. شنوندگان فقط شامل آنانی می‌شود که «قانون را از زبان بودا شنیده‌اند». پس باید مکتب هی‌نایانه یا تروادا قدیمی‌تر و اصیل‌تر از مه‌ایانه باشد (میرفخرایی ۱۳۹۲: ۹۵).
۳. بودی‌ستوه (bodhi-sattva): مرکب از دو بخش «bodhi-» به معنای «خرد و آگاهی» و «sattva» به معنای «جوهر و وجود» و در مجموع به معنای «آن که جوهرش خرد و آگاهی» است. یکی از ویژگی‌ها و خصوصیات مکتب مه‌ایانه عبادت و پرستش بودی‌ستوه‌ها یا بوداهای آینده است. بودی‌ستوه‌ها موجوداتی اساطیری هستند که از جسم نورانی (sambhogakāya) بوداها بهره‌مند هستند و جایگاه آن‌ها در بهشت توشیتا (tuṣitā) است. اینان پیامبرانی برای نجات بشر به زمین می‌فرستند و کسی که خواستار رسیدن به نیروانه است، باید راه این بودی‌ستوه‌ها را طی کند (میرفخرایی ۱۳۸۳: ۱۳۶). او کسی است که برای رسیدن به مقام بوداگی یا بوداشدن می‌کوشد. همه سنت‌های بودایی مفهوم بوداسف را قبول دارند و بر آن‌اند که همه جان‌داران سرانجام

بوداسف و به بیداری کامل نایل می‌آیند، اما سنت مه‌ایانه بیش از دیگران بر آن تأکید می‌کند و آن را بالاترین آرمان می‌داند. آرمان بوداسف که مقصود از آن رسیدن به مقام بوداگی برای خیر همه موجودات است، با آرمان سنت هینه‌یانه، یعنی مقام آرहत (arhat) یا آرहत‌شدن که صرفاً برای رهایی خود از رنج می‌کوشد، در تقابل است (راسل هینلز ۱۳۸۹: ۳۱۶).

۴. نیروانه (nirvāna) مرکب از پیش‌وند «nir-» به معنای «فرو و پایین» و ریشه «vā-» به معنای «وزیدن» و اصطلاحاً به معنای «انقطاع و خاموشی پدیده‌ها و سکوت محض» است. نیروانه هدف نهایی آموزش‌های بودایی است و مستلزم آن است که جوینده حق نخست به واقعیت حق بیدار شده باشد، مانند خود بودا که زیر درخت روشنائی ناگهان به واقعیت مطلق رسید (میرفخرایی ۱۳۸۳: ۱۴۰).

۵. براساس جهان‌شناسی سانگهیا (sangha) آفرینش جهان دارای ۲۵ اصل است که این اصول را تتو یا درجه و اصل می‌گویند (شایگان ۲۵۳۶: ۲۲۵).

۶. گرمه در زبان سنسکریت «karma» و در زبان پالی «kamma» اسم مذکر و به معنای «کردار پیشین، عمل، عمل، و عکس‌العمل کردار» است (میرفخرایی ۱۳۸۳: ۱۶۳) و یکی از فرضیه‌هایی است که همه مکاتب هندو پذیرفته‌اند. این مکاتب معتقدند که نظام طبیعی عالم در نظام اخلاقی جهان نیز بازتاب دارد و هر عملی دارای واکنشی است؛ یعنی به محض آن‌که کاری انجام شد به تناسب آن‌که این کار نیک یا بد باشد، نتیجه خوب یا بد به بار می‌آورد. این قانون خود انسان را محصول کردارها و اعمال زندگی‌های پیشین می‌داند و معتقد است که پیدایش‌های پی‌درپی و مرگ پایان راه نیست و تازمانی که انسان به معرفت مطلق نرسد، از این دریا نجات نخواهد یافت. قانون گرمه تعادل و توازن نظام اخلاقی جهان است (همان: ۱۳۰).

۷. سنساره (samsāra) از «sam-» به معنای «هم» و «sāra-» از ریشه «sṛ-» «جریان‌داشتن» است و در مجموع یعنی «به‌هم‌رفتن» که اصطلاحاً در مفهوم پیدایش‌های پی‌درپی و جریان پیوسته زندگی در دگرگونی‌های گوناگون است. بودا اساس و شالوده جهان را با وجود واقعیت و نبودن واقعیت می‌سنجید و این دو از جهتی دو رکن اصلی آیین بودا را تشکیل می‌دهند. نبودن واقعیت یعنی هستی ناپایدار، تسلسل‌اشیای گذرنده، پیدایش‌های پی‌درپی، زایش و جریان پیوسته ایجاد (سنساره)، و وجود واقعیت یعنی خاموشی و پایان تسلسل و گریز از دریای بازپیدایی، یعنی نیروانه (میرفخرایی ۱۳۸۳: ۱۳۴-۱۳۵؛ پاشایی ۱۳۸۶: ۵۴-۵۵).

۸. درمه (dharma) واژه سنسکریت و اسم مذکر به معنای «عنصر، پدیده، و قانون (= آیین بودا)» است. این واژه در آیین بودا بسیار به کار رفته، اما پیش از پیدایش این آیین نیز کاربرد داشته است. درمه از ریشه «dh-» «داشتن، نگاه‌داشتن، و بردن» است. در دوران وداها به شکل درمن (dharman) و به معنای «نگاهدار، دارنده، و قانون» به کار رفته و سپس معانی «سرشت هرچیز، عنصر، پدیده، قانون، آیین، و دین» را نیز پذیرفته است. در این آیین، جهان و هرچه در آن هست

خویشتن‌داری بنابر آموزه بودا در متنی به زبان خُنتی ۷۷

به‌گونه‌ای با یکی از مفاهیم درمه وابستگی دارد، تا آن‌جا که بودائیان آیین خود را درمه می‌نامند (میرفخرایی ۱۳۸۸: ۶۲-۶۳؛ mw 1899: 510).

۹. انجمن راهبان (bhikṣusangha): زندگی هر هندو شامل چهار دوره است: دوره اول را برهمه چرین (brahmacarin) می‌گفتند و آن شامل دوره طلبگی، تحصیل علم، و معرفت بود. دوره دوم گرهسته (grhastha) به‌معنای اقامت در خانه است و در این دوره، هندو به وظایف قومی و خانوادگی خود می‌پردازد. دوره سوم ونسته (vanastha) به‌معنای اقامت در جنگل است که طی آن هندو دنیا را ترک می‌کند و معتکف می‌شود و به سکوت جنگل پناه می‌برد و به تزکیه نفس می‌پردازد. دوره چهارم بیکشکو (bhikṣu) یا دوره گدایی است. در این دوره، هندو از تمام متعلقات دنیوی رها شده و از راه گدایی امرار معاش می‌کند (میرفخرایی ۱۳۸۳: ۱۴۲).

۱۰. سه گوهر یا سه پناه (tri-ratana) هنوز در برخی از کشورهای بودایی هم‌چنان رایج است و همان‌طور است که در زمان بودا بود. این سه گوهر عبارت‌اند از:

به بودا پناه می‌برم: buddham saranam gacchāmi

به آیین پناه می‌برم: dhammam saranam gacchāmi

به انجمن پناه می‌برم: sangham saranam gacchāmi (میرفخرایی ۱۳۸۸: ۱۹).

۱۱. بودهی Bodhi به‌معنای «بیداری و آگاهی» است (میرفخرایی ۱۳۸۸: ۴۸) که گوتمه شاکيامونی (Gautama śākyamuni) با کشف آن به بیداری نایل گشت (پاشایی ۱۳۵۷: ۱۶۱).

۱۲. «śīkṣā» اصول اخلاقی و مراتب تربیت است که شامل پنج اصل و مختص عوام بودایی است. وقتی شاگردان بودا از او خواستند مفهوم «معیشت» را روشن‌تر بیان کند، او برای راهنمایی آن‌ها پنج دستور اخلاقی را آورد که دستورهای ساده و مختصری هستند. این دستورها عبارت‌اند از پرهیز از قتل و کشتار هر موجود زنده، پرهیز از دزدی، پرهیز از رابطه جنسی نامشروع، پرهیز از دروغ، پرهیز از می و مستی (ویل دورانت ۱۳۷۶: ۴۹۶).

۱۳. فضیلت (pāramitā) مرکب است از «pāra-» از ریشه «pāri-» به‌معنای «گذشتن و عبورکردن» و «-ita» از ریشه «-i-» به‌معنای «آمدن و رسیدن». در مجموع به مفهوم «کسی است که به ساحل رسیده و یا از دریای باز پیدایی (saṃsāra) عبور کرده و به آرامش نیروانه رسیده است». این واژه در کاربرد صفتی به معنی و مفهوم «به نیروانه پیوسته» و در کاربرد اسمی به‌معنای «فضیلت» است. فضایل شش‌گانه بودی‌ستوه‌ها شامل: بخشش و ترحم (dāna)، همت و نیروی معنوی (vīrya)، تهذیب اخلاقی (śīla)، صبر و بردباری (kṣānti)، تفکر و مراقبه (dhyāna)، و خرد و فرزاندگی (prajñā) است (میرفخرایی ۱۳۹۲: ۹۹).

۱۴. «śīla» شایستگی‌های اخلاقی و معنوی است. تهذیب اخلاقی سبب می‌شود که شخص از حالت تردید در راه هشت‌گانه باز داشته شود و حالتی است که در رفتار و کردار نمودار می‌گردد.

- درواقع شایستگی‌های اخلاقی بنیاد رفتار و سلوک بودایی است و نخستین آموزش از سه آموزشی است که عبارت‌اند از آموزش برترین سلوک، آموزش برترین یک‌دلی، و آموزش برترین فراشناخت (پاشایی ۱۳۸۶: ۶۰۲). در آیین مه‌ایانه راه رسیدن به مقام بودا فقط به کمک فضایل شش‌گانه بودی‌ستوه‌ها امکان پذیر است که در پانویس شماره ۱۳ به آن‌ها اشاره شد و شایستگی‌های اخلاقی نیز یکی از این فضایل شش‌گانه به‌شمار می‌رود (میرفخرایی ۱۳۸۳: ۱۳۴).
۱۵. **کِلِشه** (kleśa = ناپاکی و آلودگی): این واژه از ریشه «-kliś» به معنای «رنج‌بردن و دردکشیدن» است. در آیین بودا عناصر پلید ناشی از اعمال پیشین هستند که غرایز و شهوات ناخودآگاه انسان را تشکیل می‌دهند. بوداییان به ده کِلِشه معتقد بودند که سه کِلِشه متعلق به تن یا کردار (آدم‌کشی، دزدی، و زنا)، چهار کِلِشه به گفتار (دروغ، تهمت، دشنام، و گفت‌وگوی بی‌حاصل)، و سه کِلِشه به اندیشه (آز، بدخواهی، و بی‌دینی) باز می‌گردد. کِلِشه صفت نادرست و ناشایستی است که دل را می‌آلاید (میرفخرایی ۱۳۸۳: ۱۳۳؛ میرفخرایی ۱۳۹۲: ۱۰۲؛ پاشایی ۱۳۸۶: ۵۶۴، ۵۶۹، ۵۸۷).
۱۶. **آنجیلی** (añjali) یعنی در حالت سلام و احترام قرار گرفتن. از «-añj-» به معنای «تدهین کردن و تزیین کردن» و حالتی است با دستان باز در کنار تن به صورتی که کف دست کمی گود است، همانند حالت گدا به‌هنگام دریافت خوراک (میرفخرایی ۱۳۸۸: ۱۶۱).
۱۷. ده جهت عبارت است از شمال، جنوب، شرق، غرب، شمال‌شرقی، شمال‌غربی، جنوب‌شرقی، جنوب‌غربی، و بالا و پایین.
۱۸. «prañidhāna» آرمان و نیتی است که بودی‌ستوه در شروع حرفه معنوی خود به آن متعهد می‌شود. او عهد می‌بندد که تا پیش از ترک جهان و نیل به نیروانه، همه موجودات را به آزادی برساند. این واژه مرکب است از پیشوندهای para (= فرا، پیش) و ni (= فرو، پایین)؛ و ریشه dhā (= گذاشتن). روی هم به معنی «فرانهادن». منظور از آن تمرکز و مراقبه شدید است (میرفخرایی ۱۳۷۵: ۹۹).
۱۹. سوتره (sūtra) از ریشه «-siv-» به معنای «دوختن» و خود واژه به معنای «رشته و ریسمان، خط، و نخ» است. در آیین بودایی، سبک نگارش مبانی فلسفی را به صورت ابیات و سوره‌های بسیار کوتاه و مختصر «سوتره» گویند (میرفخرایی ۱۳۹۲: ۹۶). سوتره‌ها محصول پایان دوره ودایی یعنی حدود ۵۰۰ تا ۱۰۰ سال پیش از میلاد هستند. در این دوره مطالب مختلف فلسفی آن‌چنان گسترش یافته بود که لازم شد رئوس مطالب به نحوی در اذهان مردم محفوظ بماند و به افکار و آرائی که در هرسو پراکنده بود نظام بخشند؛ در نتیجه آثارشان را در قالب سوتره نگاشتند. هدف از سوتره‌ها این است که شاگرد بتواند مطالب مهم و اصول کلی یک نظام یا مکتب را به خاطر بسپارد. درواقع مانند نخ‌های تسیح را به هم ارتباط می‌دهد، این اطلاعات را به حافظه می‌سپردند و پشت‌سرهم به یاد آورده می‌آوردند. از این رو، زبان سوتره‌ها مختصر، مفید، موجز، و قصارگونه است (چاترجی ۱۳۸۴: ۶۷).

کتاب‌نامه

- پاشایی، علی (۱۳۵۷)، *راه آیین، ذمه پده، یا سخنان بودا*، تهران: انجمن فلسفه ایران.
- پاشایی، علی (۱۳۸۶)، *بودا*، تهران: نگاه معاصر.
- تفضلی، احمد (۱۳۷۸)، *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*، به‌کوشش ژاله آموزگار، تهران: سخن.
- چاترجی، ساتیش چاندرا و دریندرا موهان داتا (۱۳۸۴)، *معرفی مکتب‌های فلسفی هند*، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- دورانت، ویل (۱۳۷۶)، *مشرق‌زمین گاهواره تمدن*، ج ۵، تهران: علمی و فرهنگی.
- راسل هینلز، جان (۱۳۸۹)، *ادیان زنده شرق*، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- شایگان، داریوش (۲۵۳۶)، *ادیان و مکتب‌های فلسفی هند*، تهران: امیرکبیر.
- میرفخرایی، مهشید (۱۳۶۶)، «قطعه شعری به زبان ختنی»، *فرهنگ*، س ۱، ش ۱.
- میرفخرایی، مهشید (۱۳۷۱)، «رنج جهانی در آیین بودا»، *فرهنگ*، س ۵، ش ۱۳.
- میرفخرایی، مهشید (۱۳۷۵)، «گردونه‌های آیین بودا، سرودی به زبان ختنی»، *فرهنگ*، س ۹، ش ۱.
- میرفخرایی، مهشید (۱۳۸۳)، *درآمدی بر زبان ختنی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- میرفخرایی، مهشید (۱۳۸۴)، «تمثیل پیل و خانه تاریک و خرد همه‌آگاه در شعری به زبان ختنی»، *نامه پارسی*، س ۱۰، ش ۱.
- میرفخرایی، مهشید (۱۳۸۷)، «گاه‌شماری دوازده حیوانی در متنی به زبان ختنی»، در: *مجموعه پژوهش‌های ایران باستان*، به‌کوشش محمود جعفری دهقی، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- میرفخرایی، مهشید (۱۳۸۸)، *اصل خاا یا تهیگی بنابر آموزه بودا*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- میرفخرایی، مهشید (۱۳۸۹)، «زندگی و مرگ در آیین بودا بنابر یک قطعه ختنی»، *فصل‌نامه پازند*، ش ۲۱.
- میرفخرایی، مهشید (۱۳۹۲)، «درآمدی بر آثار ادبی زبان ختنی»، *فصل‌نامه پازند*، س ۹، ش ۳۲ و ۳۳.
- میرفخرایی، مهشید (۱۳۹۳)، «ادبیات ختنی»، در: *تاریخ جامع ایران*، ج ۵، تهران: دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.

Bailey, H. W. (1967), *Prolexis to the Book of Zambasta*, Cambridge: Cambridge University Press.

Bailey, H. W. (1978), *Dictionary of Khotan Saka*, Cambridge (DKS): Cambridge University Press.

Bailey, H. W. (1979), *Dictionary of Khotan Saka*, Cambridge (DKS): Cambridge University Press.

Bhatlacharya, H. S. (1976), *Jain Moral Doctrine*, Bombay: Jain Sāhitya Vikās maṇḍal.

- Doley, Kusum (2015), "Concept of Soul and Liberation in Jainism", *International Journal of Humanities and Social Science Studies*, vol. 2.
- Dresden, M. J. (1977), *Khotanese (Saka) Manuscripts: A Provisional Handlist*, Varia 1976, Téhéran-Liége.
- Ekka, David (2005), "Liberation in Jainism and Vaiṣika", *Articles in philosophy*.
- Emmerick, R. E. (1968), *The Book of Zambasta (Z), A Khotanese Poem on Buddhism*, London: Oxford University Press.
- Emmerick, R. E. (2008), *An Introduction to Khotanese*, M. Maggi, J.S. Sheldon, and N. Sims Williams (eds.), Weisbaden.
- Emmerick, R. E. (2009), *Khotanese and Tumshuqese The Iranian Languages*, Gernot Windfur (ed.), London and New York.
- Hitch, Dogh (2014), "Metre in the Old Khotanese Book of Zambasta", *Ars Metrica*, no. 11.
- Konow, S. (1914), "Fragments of Buddhist Work in the Ancient Aryan Language of Chinese Turkestan", *Memory of the Asiatic Society*.
- Leumann, M. (1967), "Neue Fragmente des Altkhotan- sakischen", *Zeitschrift der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft*, vol. 117, Wiesbaden .
- Maggi, M. (2008), "Khotanese – Literature": <<http://www.iranica.com/articles/khotanese-literature>>.
- Monier-Williams, M. (1899), *Sanskrit –English Dictionary*, Oxford: At the Clarendon Press.
- Nyanatiloka, (1988), *Buddhist Dictionary: Manual of Buddhist Term and Doctrines*, Srilanka: Nyanaponika.
- Patañjali and Feuerstein, G. (1989), *The Yoga Sutra of Patanjali: A New Translation and Commentary*, Rochester, New York: Inner Traditions International.
- Sanghvi, Sukhlal (1974), *Commentary on Tattvārthasūtra of Vācaka Umāsvāti*, Institute of Indology.
- Sharifian, F. (2016), "Buddhism in Khotan and Soghdiana", *Indian Journal of History of Science*.
- Shimmy, Joseph (2017), Unit-2 Philosophy of Jainism, Block-1 Jainism And Buddhism, IGNOU: <<http://www.hdl.handle.net/123456789/35228>>.
- Trungpa, Chogyam (2013), *The Path of Individual Liberation*, vol. 1, United States: Shambhala Publications.